یادبود

سخن دوست[1]

یادی از حسین کاظم‌پور که زود از میان ما رفت

عباس ملکی*

● درگذشت حسین کاظم‌پور اردبیلی از آن دردهاست که جان را می‌سوزاند و انسان را درمانده می‌کند که چه باید کند؛ فریاد بکشد یا سکوت کند؟ او از آن آدم‌هایی بود که فکر می‌کردی همیشه هستند و همیشه می‌توانی با آنها مشورت کنی. اگر جایی هم از حرفی و کاری و روندی و سیاستی دلگیر بود، فقط به اظهارنظر کارشناسی بسنده می‌کرد. اگر هم برنامه‌ای و کاری تصویب می‌شد، بدون چون و چرا، آن را دنبال می‌کرد. نه ادعایی داشت درباره اینکه نظر او می‌تواند کشور را نجات دهد و نه دلگیری از کسانی که عقیده‌اش را درست نمی‌دانستند. آرام و بی‌هیاهو کارش را می‌کرد و حرف خود را می‌زد. من با این موجود نازنین و دوست‌داشتنی از اوایل دهه ۶۰ آشنا شدم. برای آنکه خودم را تسلا دهم چند نکته از او می‌گویم. شاید برای جوانان حاوی درس‌هایی باشد:

۱- در سال ۱۳۶۲، به دعوت آقای دکتر ولایتی به وزارت خارجه رفتم. از سیاست خارجی چیزی نمی‌دانستم؛ اما به یادگیری علاقه داشتم. قبل از آن، در وزارت نفت با طبقه کارشناس و بوروکرات کشور تا اندازه‌ای آشنا شده بودم. به‌جای کارکردن در دفتر وزیر نفت، به بخش بین‌الملل رفته و محاسبات و ضوابط فروش نفت خام و فراورده را از دوستانی مانند عباس رفیعی آموخته بودم. به وزارت خارجه که آمدم، دکتر ولایتی گفت سعی کن در جلسات شرکت کنی. جلسات به نظر ولایتی از کتاب و گزارش بیشتر آموزنده بود. در جلسه‌ای مانند شورای معاونان که مدیران کل هم حضور داشتند، معاون اقتصادی وزارت خارجه برنامه‌های خود در سال جدید را ارائه کرد. حسین کاظم‌پور در گزارش خود گفت تا چه اندازه به کار با اروپا تکیه دارد و چه مقدار با چین، هند و ژاپن. نظرش را درباره کشورهای آفریقایی و آمریکای لاتین هم گفت. بعد گفت درباره همسایگان ایران، به کار با عربستان معتقد است و همچنین با دیگر کشورهای عربی خلیج فارس و از همه مهم‌تر اکو. آن وقت نمی‌دانستم اکو چیست. از همان روز اول در جلسات، برخی از مطالب را برای خود می‌نوشتم. زیر هم کشورها و مناطق را ردیف کردم و بعد نوشتم اکو. ای دل غافل. اکو کشور است؟ منطقه است؟ خوردنی است؟ همین‌طور که فکر می‌کردم، یک‌باره یاد این لطیفه افتادم: خانم و آقایی از جلوی دفتر ترانسپورت شمس‌العماره می‌گذشتند، روی شیشه قدی دفتر نوشته بود «حمل‌ونقل سریع همه‌روزه به شهرهای مشهد، تبریز، قم، اصفهان، یزد، بندرعباس و بالعکس». خانم رو کرد به همسرش و گفت: آقا تو مرا همه‌جا مسافرت بردی و خیلی هم خوش گذشت. بیا یک‌بار هم شده برویم این شهر بالعکس، من تابه‌حال آنجا را ندیده‌ام!». لبخندی زیر لب زدم و گفتم اکو یعنی انعکاس روابط ایران با آن کشورها؟ یعنی چه؟ جلسه تمام شد و بیرون آمدیم. سر پیچ دفترِ دکتر ولایتی به راهرو وزارت خارجه، حسین کاظم‌پور داشت می‌رفت. رفتم جلو و سلام کردم و گفتم: من سؤالی داشتم. گفت: بفرمایید. گفتم: این اکو که شما گفتید، می‌شود درباره‌اش توضیح دهید. من را کنار کشید و شروع کرد به گفتن. از سازمان پیمان مرکزی (سنتو)، همکاری و توسعه منطقه‌ای (آرسی‌دی)، پیمان ازمیر و سازمان همکاری‌های اقتصادی (اکو). خوب که گفت و من بخشی از آن را یادداشت کردم، به ذهنش رسید که من نباید به‌صورت عادی از کف وزارت خارجه تا جلسه شورای معاونان آمده باشم؛ لبخندی زد، همان لبخندی که کنار لبش بود؛ کمی لبش کج می‌شد به سمت بالا و چشمانش ریز. گفت: آقای وزیر بدجوری هواتو داره؟ بله؟ گفتم: ایشان لطف دارند. گفت: برای اینکه با وزارت خارجه آشنا بشوی، من در خدمتم. او برای خیلی‌ها از جمله من معلم بود.

۲- از آنجا متوجه شدم که حسین کاظم‌پور یک لابیگر حرفه‌ای است. از هر فرصتی برای پیشبرد کارش استفاده می‌کرد. کار او همان کار کشور بود. کار جنگ بود. کار اقتصاد خارجی بود. به دفتر مطالعات سیاسی می‌آمد، به من می‌گفت این کنفرانس‌ها و سمینارها و کتاب‌ها و مجلات تنها و تنها وقتی خوب‌اند که بتوانند یک نتیجه ملموس عملی در پیشبرد سیاست داشته باشند. در جلساتی که از او دعوت می‌کردیم، می‌آمد و صحبت می‌کرد، اما در انتها، وقت رفتن، باز چشمانش را تنگ می‌کرد و با همان خنده گوشه لب می‌گفت: من حرف تو را گوش کردم و آمدم؛ تو هم به آنها که در دسترس داری بگو راه‌هایی برای تعامل با همسایگان وجود دارد؛ کار دنیا حساب و کتاب دارد، برای معیشت مردم باید فکری کرد.

۳- فهم اقتصادی او بی‌نظیر بود. برای حسین کاظم‌پور هر کاری و هر موضوعی هویتِ اقتصادی داشت. تجارت و اقتصاد را مثل کف دست می‌شناخت. در اقتصاد به بازار آزاد و عدم دخالت دولت معتقد بود. همیشه می‌گفت اگر راهی برای رسیدن به رفاه عمومی و سعادت نسبی مردم وجود داشته باشد، همانا اقتصاد مبتنی بر رقابت کامل و آزادگذاشتن قیمت‌ها برای متعادل‌شدن در درون مکانیسم عرضه و تقاضاست. وقتی در ژاپن سفیر بود، سعی کرده بود تاآنجاکه ممکن است در رفتار مردم ژاپن در صحنه تاریخ، جامعه، سیاست خارجی، فناوری و انرژی دقیق شود.

ادامه در صفحه ۱۵

گفتارهایی از نزدیکان حسین کاظم‌پور اردبیلی به مناسبت درگذشت او

معمار دیپلماسی نفت

شکوفه حبیب‌زاده، زینب اسماعیلی: مردی که به‌عنوان معمار امور بین‌الملل نفت پس از انقلاب شناخته می‌شد و برخی او را با نام سردار دیپلماسی نفتی ایران می‌شناسند دیروز پس از دو هفته رنج در کمابودن، دار فانی را وداع گفت. حسین کاظم‌پور اردبیلی، سیاست‌مدار، دیپلمات و مدیر اجرائی بود که سال‌ها به‌عنوان نماینده ایران در هیئت عامل اوپک فعالیت می‌کرد. او، خود مؤسس امور اوپک در وزارت نفت در قالب هویتی مستقل بود و بر همین اساس هم بسیاری لقب معمار را برای او شایسته می‌دانند. کاظم‌پور اردبیلی در دولت موقت و کابینه شهید محمدعلی رجایی، وزیر بازرگانی بود و همان زمان که برای ارائه گزارش وضعیت اقتصادی ایران به دفتر حزب جمهوری اسلامی قدم گذاشته بود، در هفتم تیرماه ۱۳۶۰، در حادثه بمب‌گذاری دفتر حزب، مجروح شد. او از ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۴ در جایگاه معاونت اقتصادی وزیر امور خارجه فعالیت می‌کرد و از سال ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۹ نیز معاونت امور بین‌الملل وزیر نفت و عضویت هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران را برعهده داشت. کاظم‌پور اردبیلی در فاصله سال‌های ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۴ سفیر ایران در ژاپن بود و از سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۷ نیز نمایندگی ایران در سازمان اوپک را برعهده داشت. کاظم‌پور اردبیلی از سال ۱۳۹۲ تاکنون نیز در جایگاه نماینده ایران در اوپک فعالیت می‌کرد اما زمان کفاف نداد که بیش از این از جایگاه ایران در روزگار بحران‌زده نفت، جانانه دفاع کند. طیف گسترده فعالیت‌های او سبب شد تا افراد زیادی در غم از دست‌دادن او، به سوگ بنشینند. از رئیس‌جمهور گرفته تا وزرای نفت و امور خارجه جملگی درگذشت او را عارضه‌ای بر دستگاه دیپلماسی و نفت برشمردند.

بیژن زنگنه، وزیر نفت ایران که او را این روزها به عنوان مشاور در کنار خود داشت در پیام تسلیتش نوشته: «قریب ۲۳ سال همکاری نزدیک با حسین کاظم‌پور، مرا در موقعیتی قرار می‌دهد که می‌توانم شهادت بدهم او، انسانی متدین، فرهیخته، متواضع، بسیار شرافتمند و خدمتگزاری راستین و بی‌ادعا برای ملت ایران، وفادار جمهوری اسلامی و عاشق ایران بود و سربلندی و پیشرفت ایران، دغدغه همیشگی‌اش بود. از بارزترین وجوه شخصیتی او، صراحتش در بیان عقایدش بود. او دیپلماتی برجسته بود که بیش از سه دهه از منافع ملی ما در اوپک، در سخت‌ترین شرایط و به‌رغم همه ناملایمات، هوشمندانه و جانانه دفاع کرد. او در دولت شهید رجایی، وزیر بازرگانی بود و جانباز انفجار مقر حزب جمهوری اسلامی در ۷ تیر ۱۳۶۰ بود، ولی هرگز از جانبازی خود یا از خدماتش در دوران جنگ با کسی سخن نگفت. او برای خدماتش از کسی اجر و مزدی نمی‌طلبید. امروز او با ره توشه‌ای پربار از خدمت صادقانه به مردم و کشورش، در برابر داور نهایی هستی ایستاده است». تنوع برشماری ویژگی‌های او توانمندی او در عرصه‌های مختلف را نشان می‌دهد. در اینجا برای یادبودی از او، شماری از دوستان و نزدیکان و همکارانش، یادواره‌ای از او نگاشته‌اند که در این گزارش می‌خوانید.

معمار امور بین‌الملل نفت پس از انقلاب

فریدون برکشلی*

به‌شدت غمگینم. درگذشت او بسیار دردناک است. من به دعوت او در سال ۱۳۸۲ به وزارت نفت آمدم. البته قبل از آن، ایشان وزیر بازرگانی بودند. من را به‌عنوان مدیر یکی از مراکز تازه‌تأسیس تهیه و توزیع کالا تعیین کردند. در آن مقطع به دلیل انقلاب فرهنگی، دانشگاه‌ها و ازجمله دانشگاه علامه طباطبایی تعطیل شده بود. کار بسیار مهم ایشان در امور بین‌الملل نفت بود. امور بین‌الملل نفت، در آن مقطع ۱۳۸۳-۱۳۸۴ رها شده بود. البته امور بین‌الملل پس از انقلاب هیچ‌گاه بازاریابی واقعی نمی‌کرد. تقریبا ۷۰ در صد نفت ما را هفت، هشت شرکت بزرگ بین‌المللی از شرکت نفت می‌خریدند که اغلب مستقیم از فرودگاه به دربار می‌رفتند. ۳۰ در صد بقیه هم برای خرید اسلحه و تهاتر با بلوک شرق سابق صرف می‌شد. در واقع امور بین‌الملل، صرفا کارهای دفتری و بایگانی را انجام می‌داد. آقای کاظم‌پور، طراح بازاریابی نفت بود. او حدود ۳۰ نفر از بهترین و سالم‌ترین مدیران دهه ۱۳۸۰ را جمع‌آوری کرد. سازماندهی امور بین‌الملل کار ساده‌ای نبود. جنگ تحمیلی، جنگ نفتکش‌ها، تحریم و... همه در جریان بود. او روزی ۱۶-۱۷ ساعت کار می‌کرد. نفت، به کاظم‌پور بسیار مدیون است. همین وضعیت درباره اوپک هم بود. پیش از انقلاب، وزارت نفت نبود. کارهای اوپک را وزارت اقتصاد و دارایی انجام می‌داد و امور اوپک در وزارت اقتصاد و دارایی بود. یک روز از پایین شرکت نفت تماس گرفتند و گفتند با شما کار دارند. رفتم. یک وانت پر از کاغذ و پرونده آوردند و گفتند که اینها مدارک اوپک است، تحویل بگیرید. انقلاب شده بود. عربستان کارشکنی می‌کرد و خصومت‌ها را شروع کرده بود. جنگ سهم بازار یمانی در راه بود. ما هم در امور اوپک کسی را نداشتیم. کاظم‌پور مرتبا تأکید می‌کرد که کادرسازی کنید. نیرو بیاورید. باید زبان بدانند. از دانشگاه‌های معتبر آمده باشند. اختیارات می‌داد و همیشه پشت مدیرانی بود که انتخاب می‌کرد. واقعا نفت در سه، چهار سال خودش را پیدا کرد. در اوپک قوی‌ترین هیئت شدیم. در بازار با تمام سختی‌ها و محدودیت‌ها با قدرت حضور پیدا کردیم. تعدادی از بهترین مدیران ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی در نفت جمع شدند که بعدا خودشان منشأ خدمات ارزشمند در دیگر سازمان‌ها شدند. به واقع ایشان معمار امور بین‌الملل و بازاریابی پس از انقلاب بود و امور بین‌الملل نفت به ایشان مدیون است. البته آزارهای فراوانی هم تحمل کرد. ایشان شهید زنده بود. صبح فردای هفتم تیر به دیدارش رفتیم. نه نفرتی، نه ترسی، نه هیچ‌گونه نگرانی، حیرت‌انگیز بود. او ۴۰ سال به کشور خدمت بی‌دریغ کرد. در سازمان اوپک کاظم‌پور یک چهره منحصربه‌فرد و شاید تکرارناشدنی بود. در دوره طولانی که آقای کاظم‌پور به‌عنوان عضو هیئت عامل جمهوری اسلامی ایران خدمت کرد، دبیرخانه دو بار به طور کامل تجدید ساختار شد. ایشان همیشه به دبیرکل و نمایندگان کشورهای عضو گوشزد می‌کرد که ساختار دبیرخانه باید منبعث از شرایط جهانی نفت باشد. دبیرخانه اوپک را استاتیک و ثابت نمی‌دید؛ بلکه به دبیرخانه اوپک مانند موجودی زنده و دینامیک نگاه می‌کرد. البته در سال‌های دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ و حتی پس از آن چنین برخوردی آسان نبود. عراق تحت سیطره صدام و کشورهای حامی آن، همیشه مقاومت می‌کردند و در تخریب روحیه هیئت ایرانی هر کاری می‌کردند. به‌خوبی یادم هست که در جلسه‌ای که یکی از نمایندگان کشورهای عضو سازمان برای خلیج فارس از واژه مجعولی استفاده کرد، کاظم‌پور تمام‌قد ایستاد. با ادب دیپلماتیک و رفتار متین و قوی، بحث را رها نکرد. جلسه تا پاسی از نیمه‌شب به درازا کشید؛ اما نماینده آن کشور ناچار به عذرخواهی شد. این در اسناد دبیرخانه سازمان اوپک ثبت شده است.

***مدیرکل اسبق امور اوپک و رئیس مرکز مطالعات انرژی وین**

مرد لابی‌گر دستگاه دیپلماسی

احمد عزیزی

اولین قائم‌مقام وزارت خارجه

سال ۶۰ بود و میرحسین موسوی، وزیر امور خارجه و من معاون اقتصادی و بین‌المللی او. انتصاب من توسط شهید رجایی در دوران سرپرستی او بر وزارت خارجه انجام گرفته بود. میرحسین، قصد انتصاب من در سمت قائم‌مقام وزیر را داشت و برای تعیین جانشین، با هم مشورت می‌کردیم. آن زمان، بحث فرستادن مرحوم حسین کاظم‌پوراردبیلی به ژاپن به‌عنوان سفیر مطرح بود و من گزینه‌ای بهتر از او برای قبول پست معاون اقتصادی و بین‌المللی نیافتم و به همین دلیل پیشنهاد ادامه خدمت او در وزارت امور خارجه در این پست جدید را به میرحسین موسوی دادم. کاظم‌پور به‌عنوان شهید زنده پس از طی دوران نقاهت در حادثه بمب‌گذاری دفتر حزب جمهوری اسلامی در هفتم تیر ۱۳۶۰، خود را برای مأموریت ژاپن آماده کرده بود و من به سختی توانستم او را برای قبول این مسئولیت آماده کنم. در دوران همکاری‌مان همواره شاهد خلاقیت، تیزهوشی، مهارت، صداقت و صراحتش بودم. اولویت او همیشه منافع نظام و ایران بود. شگرد خاص او برای جاانداختن نقطه‌نظرات خود، طرح‌های مطلوبش که در شورای معاونین وزارت خارجه مطرح می‌کرد، لابی‌گری با دوستان و اعضای نشست، قبل از جلسه بود. پیگیری جدی او در این موارد، از جمله آموزه‌های فراوانی بود که من از او آموختم. او در همان آغاز کار، مهم‌ترین درس دیپلماسی را که لابی‌گری است بسیار خوب می‌دانست. او خیلی‌وقت‌ها قبل از شروع جلسه با من تماس می‌گرفت و برای همراه‌کردن من با خود، تلاش می‌کرد و غالبا نیز موفق بود. در دوران همکاری‌مان، من واقعا شیفته خصوصیات اخلاقی و فردی او بودم. آخرین دیدارمان متأسفانه در پاییز سال گذشته بود که در جمعی دوستانه به بحث سیاسی پرداختیم.

نقش کاظم‌پور اردبیلی در توقف حمله به مناطق غیرنظامی

امیرحسین زمانی‌نیا

معاون امور بین‌الملل وزارت نفت

خبر درگذشت دوست و برادر عزیزم جناب آقای حسین کاظم‌پور باورکردنی نبود. او مردی شریف، دیپلماتی برجسته و بی‌ادعا، خوش‌فکر، شجاع و منشأ خدمات ناگفته‌ای به این کشور بود. صداقت، کاردانی، صراحت لهجه و عشق به ایران از خصوصیات بارز او بود. اواسط سال‌های ۶۰ وقتی صدام به مناطق مسکونی ایران ازجمله تهران با موشک حمله می‌کرد، کاظم‌پور به‌عنوان معاون بین‌الملل وزارت خارجه به سازمان ملل در نیویورک آمد و در مذاکرات چندروزه‌ای با دبیرکل سازمان ملل و طارق عزیز، معاون نخست‌وزیر زمان صدام، موفق شد moratorium برای توقف حمله به مناطق غیرنظامی را به امضا برساند. مذاکرات هوشمندانه شجاعانه و منطق مستدل کاظم‌پور، جان هزاران نفر را نجات داد. او بدون ادعا و هیاهو خدمت می‌کرد. البته مورد بی‌مهری‌هایی نیز قرار گرفت. او همچنان سال‌های متمادی با هوشمندی و شجاعت از منافع ملی کشور در اوپک و بازار جهانی نفت دفاع کرد. روحش شاد.

شخصیت شناخته‌شده صنعت نفت جهان

محمد سوری

مراسم تشییع پیکر آقای کاظم‌پوراردبیلی بسیار غم‌انگیز بود. با او اولین‌بار در سال ۱۳۵۸ که معاون وزارت بازرگانی بودم، آشنا شدم. در یک جلسه حضوری، به توانمندی او به‌عنوان یک مدیر لایق، واقف شدم و به همین دلیل او را به همراه ۲۷ جوان دیگر به‌عنوان مدیر برگزیدم. در آن زمان بسیاری از مدیران قدیمی استعفا داده بودند و به همین دلیل به مدیران تازه‌نفس و توانمند نیاز داشتیم. اولین حکم استخدامی بعد از انقلاب را به‌عنوان مدیرعامل شرکت خدمات بازرگانی به ایشان دادم. شرکت خدمات بازرگانی وابسته به وزارت نفت بود و تمامی کالاهای اساسی عمومی به‌جز گندم، شکر، چای و ... در سردخانه و انبارهای این شرکت تا قبل از توزیع در آنجا نگهداری می‌شد. به مرور کاملا توانمندی، تسلط و پرکاری او بر همه محرز شد. گمان می‌کنم فعالیت او پیش از انقلاب در شرکت‌های وابسته به خوانساری‌ها که در تولیددارو داروگر فعالیت می‌کردند، از او این‌چنین مدیری ساخته بود، زیرا آن مجموعه مدیرپرور بودند. سال ۵۹ که مدیران در دولت موقت تغییر کردند، بعد از مدتی او وزیر بازرگانی شد. پس از حادثه انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی و جراحت حاصل از آن، من از وزارت بازرگانی استعفا دادم و آقای کاظم‌پوراردبیلی برای من حکم جدیدی صادر کرد و من مدیرعامل شرکت کشتی‌رانی جمهوری اسلامی ایران شدم. پس از آنکه او از وزارت بازرگانی استعفا داد، او را به‌عنوان مدیر بازرگانی شرکت کشتی‌رانی جمهوری اسلامی منصوب کردم. او شخصیتی خنده‌رو، پرتلاش، دانا و توانمند داشت. آقای کاظم‌پوراردبیلی را از سال ۱۳۶۴ به‌بعد همواره در جلسات مختلف می‌دیدم. او فردی بسیار پرکار و توانمند بود و به همین دلیل هم در پست‌های مختلف حضور داشت. حتی با وجودی که بازنشسته شده بود، به‌عنوان مشاور شرکت ملی نفت به کار خود ادامه می‌داد و بیش از ۸۰ درصد وقت کاری خود را در وزارت نفت گذراند. او به واسطه شخصیت مذاکره‌کننده خود و فعالیت در امور بازرگانی نفت، برای بسیاری از شرکت‌های بزرگ نفتی جهان شناخته‌شده بود. به‌واقع کاظم‌پوراردبیلی در صنعت نفت دنیا شناخته‌شده است و مرگ او برای صنعت نفت و دیپلماسی کشور بسیار زود و دردناک بود.

***مدیرعامل اسبق شرکت ملی نفتکش و مدیرعامل اسبق کشتی‌رانی جمهوری اسلامی ایران**

مردی که کوتاه نیامد

جواد یارجانی

مدیرکل اسبق امور اوپک وزارت نفت

نوشتن در سوگ برادر، دوست و معلم دلسوزم، حسین کاظم‌پوراردبیلی در این شرایط برایم بسیار سخت است؛ از طرف دیگر می‌دانم همراهی با ایشان برای حدود ۴۰ سال در وزارت خارجه، وزارت نفت، دبیرخانه اوپک و دوران کنار گذاشته‌شدن از مسئولیت‌هایمان، خاطرات فراوانی را برایم رقم زده است که درمیان‌گذاشتن آنها از طرفی شاید هم مرهمی بر دل‌های به‌دردآمده دوستانش باشد و هم تأسفی بی‌پایان برایمان رقم بزند که چرا از این همه توانایی‌های ایشان که بی‌بدیل بودند، در برهه‌هایی نه‌تنها استفاده نشد، بلکه برخی با دید کوتاه دعواهای سیاسی، عرصه را بر روح حساس وی آن‌چنان تنگ کردند که در زمان‌هایی شخصا اصطلاح «شکستن قلب» را در وجود وی احساس می‌کردم. من شک ندارم صدها دوست، همکار و طرف‌های مذاکره در داخل و خارج از ایران در میان اعضای اوپک و شرکت‌های نفتی بین‌المللی می‌توانند خاطرات بسیار زیادی از ایشان به یاد بیاورند که شاید وجه مشترک آنها، غیر از توانایی‌های شخصی مانند داشتن تفکر آینده‌نگر، تیزهوشی، سخت‌کوشی و احترام به عقاید و نظرات حتی مخالف دیگران و بسیاری خصلت‌های مثبت دیگر، عشق به حفظ منافع ملی ایران عزیز حتی به قیمت کشیدن سختی‌ها و ناملایمات بود.

در این فرصت کوتاه با توجه به تألمات شخصی، تنها به دو خاطره از میان صدها خاطره تلخ و شیرین، اشاره‌ای گذرا می‌کنم به امید آنکه به کمک خانواده بزرگوارش و همین‌طور دوستان، همراهان، خبرنگاران و گزارش‌نویسانی که به همه آنها بسیار ارج می‌نهاد، نوشتن خاطرات ایشان شروع شود؛ چراکه خاطره این بزرگ‌مرد عرصه دیپلماسی نفتی، باید با هدف حفظ منافع ملی زنده بماند تا چراغ راه عاشقان و مسئولان حال و آینده ایران اسلامی باشد.

در روزهای سخت جنگ تحمیلی، زمانی که موشک‌های هدیه‌شده به صدام، تهران را آماج حملات وحشیانه خود کرده بود، روزی به دفترش در وزارت نفت خواسته شدم و ایشان از من خواست به‌عنوان معاون بازاریابی و فروش نفت خام، در اسرع وقت به همراه آقای ترابیان، مسئول بازار شرق دور، به ژاپن سفر کنیم و تا سه محموله چندین میلیون بشکه‌ای را نفروخته‌ایم، حق برگشت به ایران را نداریم. من با توجه به جوانی و داشتن دو فرزند خردسال و تنهایی خانواده، از ایشان خواستم اجازه بدهند که من در طول موشک‌باران این مأموریت را نروم و ایشان ضمن اعلام درک شرایط خاص من گفتند گویا شما از شرایط سخت جبهه‌ها به دلیل فشار بر صادرات نفت و کمبود منابع مالی مطلع نیستید و نمی‌دانید حتی در سیلوها گندم زیادی نمانده است؛ پس شما بروید و تا نفروخته‌اید، برنگردید. در این مأموریت که به دلیل اشباع بازار نفت با سختی‌های غیر قابل وصف و بی‌توجهی خریداران همیشگی روبه‌رو بودیم، توانستیم فقط لطف خداوند و حمایت‌های بی‌دریغ آقای کاظم‌پور که مسئولیت را همراه با اختیارات تفویض می‌کرد، موفق شویم.

در سال‌های اخیر نیز در مذاکرات اوپک و غیر اوپک در سال ۲۰۱۵ که برای تصمیم‌گیری درباره میزان کاهش تولید بعد از کاهش شدید قیمت‌ها در دبیرخانه اوپک در وین در جریان بود، تلاش زیادی می‌شد که ایران را نیز با وجود قرارداشتن در تحریم‌های ظالمانه نفتی، وادار به شرکت در کاهش تولید کنند که من به همراه ایشان در جلسات بسیار سنگین و طولانی‌ای که گاه با برخی تندگویی‌ها و حتی توهین‌ها البته با حفظ دستکش مخملی اعمال می‌شد، روبه‌رو بودیم. آقای کاظم‌پور با وجود جو سنگین و آزاردهنده جلسات، با سعه صدر و منطق بالا، پاسخ‌گوی همه ادعاها بودند.

ادامه در صفحه ۱۵

یک شخصیت چندوجهی

علی ماجدی

سفیر پیشین ایران در ژاپن و آلمان

مرحوم کاظم پوراردبیلی، متخصص متعهدی بود که کار خود را از سرپرستی وزارت بازرگانی در نظام جمهوری اسلامی ایران شروع کرد و سپس به معاونت بین‌الملل وزارت نفت رفت و دوره‌ای هم به‌عنوان سفیر در ژاپن مشغول بود. بعد از آن، دوره‌ای در بخش خصوصی مشغول بود و در کنار فعالیت در بخش خصوصی، به‌عنوان نماینده ایران در اوپک، سال‌های سال به کشور خدمت کرد؛ البته این مسئولیت او به استثنای دو دوره ریاست دولت احمدی‌نژاد تاکنون ادامه داشت. تنوع مشاغلی که ایشان داشت، از او شخصیتی چندوجهی به یادگار گذاشت و در یک کلام دولتمردی قوی بود که به اقتصاد بین‌الملل، اقتصاد داخلی کشور، سیاست خارجه و نفت اشراف کامل داشت.

ادامه در صفحه ۱۵

گزارش روز

۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۹ قیمت دلار به ۱۶۸۰۰ تومان رسید

● روز گذشته ۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۹ قیمت دلار آمریکا در صرافی‌های بانکی به ۱۶هزارو ۸۰۰ تومان رسید. به گزارش مهر، قیمت دلار آمریکا ۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۹ در صرافی‌های بانکی برای فروش به ۱۶هزارو ۸۰۰ تومان رسید. دیروز همچنین قیمت خرید هر دلار ۱۶هزارو ۷۰۰ تومان بود. قیمت هر یورو هم برای خرید ۱۸هزارو ۱۰۰ تومان و برای فروش ۱۸هزارو ۲۰۰ تومان بود.

قیمت سکه طرح جدید به ۷ میلیون و ۲۲۰ هزار تومان رسید

● قیمت سکه طرح جدید ۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۹ در معاملات بازار آزاد تهران به هفت‌میلیون و ۲۲۰ هزار تومان رسید.

به گزارش مهر، قیمت سکه طرح جدید ۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۹ در معاملات بازار آزاد تهران به هفت‌میلیون و ۲۲۰ هزار تومان رسید.

همچنین هر قطعه سکه تمام‌بهار آزادی طرح قدیم شش‌میلیون و ۹۵۰ هزار تومان، نیم‌سکه سه‌میلیون و ۷۳۰ هزار تومان، ربع سکه دومیلیون و ۵۰ هزار تومان و سکه یک گرمی یک‌میلیون و ۳۰ هزار تومان بود.

هر اونس طلا در بازارهای جهانی هزارو ۷۴۳ دلار و هر گرم طلای ۱۸ عیار نیز ۶۹۹هزارو ۱۳ تومان شد.

سکه، بهشت سفته‌بازان شد؟

● سکه در بیش از ۲۵ کشور دنیا ضرب و منتشر می‌شود، در کشور ما هم برای نیازهای مصرفی و سرمایه‌گذاری عموم مردم کاربرد دارد، اما اگر بستری فراهم می‌شود باید در خدمت آحاد جامعه و اقتصاد کشور باشد نه بهشتی برای سفته‌بازان!

به گزارش تسنیم، نوسانات اخیر سکه در بازار داخلی و ثبت رکورد بالای هفت میلیون تومان موجب واکنش‌های متعددی شده است؛ برخی دلیل افزایش قیمت سکه را افزایش قیمت ارز می‌دانند و برخی معتقدند وقایعی که در بورس رخ داده، از مهم‌ترین دلایل تحریک قیمت سکه در بازار شده است.

قیمت سکه از سه عامل نرخ ارز، قیمت جهانی طلا و سایر عوامل مانند عرضه و تقاضا، مالیات و... تأثیر می‌پذیرد. برای محاسبه قیمت سکه ابتدا انس جهانی به ۳۱.۱ تقسیم می‌شود تا ارزش هر گرم به دست آید، سپس در ۰.۹ درصد ضرب می‌شود تا از عیار ۲۴ به عیار ۲۱.۶ تبدیل شود و در ادامه در وزن سکه و قیمت دلار در بازار آزاد ضرب می‌شود.

برای اینکه ارزش دلاری سکه را به‌طور تقریبی بدانید با انس هزارو ۷۰۰ دلاری قیمت تمام‌سکه ۴۰۰ دلار، نیم ۲۰۰ دلار و ربع ۱۰۰ دلار خواهد بود.

بانک مرکزی که وظیفه قانونی تولید مسکوک گران‌بها و تدوین مقررات و تنظیم بازار طلا را بر عهده دارد، بعد از انقلاب تاکنون عمدتا به‌دلیل کنترل نقدینگی و نرخ ارز سه طرح پیش‌فروش سکه داشته است؛ طرح اول سال‌های ۶۱ و ۶۲ طرح دوم سال‌های ۹۰ و ۹۱ و طرح سوم سال‌های ۹۶ و ۹۷ اجرا و در کل حدود ۲۵ میلیون سکه پیش‌فروش شده است.

پس از طرح اول در دوره جنگ، قیمت سکه به‌مدت سه سال در حدود سه‌هزارو ۵۰۰ تومان با وجود رشد ۶۶ درصدی نرخ دلار ثابت ماند، چون قیمت جهانی طلا کاهشی بود.

پس از طرح دوم در سال ۹۱ نیز قیمت جهانی طلا کاهش شدیدی داشت و حتی برخی سکه‌های ثبت‌نامی را با سپرده جایگزین کردند، اما در طرح سوم شانس با بانک مرکزی یار نبود و هم‌زمان نرخ ارز و قیمت جهانی طلا افزایش یافت و بانک مرکزی دچار پدیده ناسازگاری زمانی شد، درحالی‌که میزان پیش‌فروش از دو طرح قبلی کمتر بود.

هم‌زمان با طرح سوم پیش‌فروش سکه، بانک مرکزی حراج سکه را نیز اجرا کرد؛ بر همین اساس بانک کارگشایی که متعلق به بانک ملی است و در ۴۰ سال گذشته همواره همکاری تنگاتنگی با بانک مرکزی در عرضه سکه و تنظیم بازار طلا داشته است، عاملیت حراج را بر عهده گرفت؛ بانک مرکزی حتی در سال ۹۱ و در بحبوحه بحران ارزی نیز اقدام به عرضه شمش طلا از جانب بانک کارگشایی کرده بود.

فرایند کار هم برگزاری مزایده استاندارد یا انگلیسی در ساختمان اصلی این بانک بود که سکه‌های تمام و نیم در بسته‌های ۱۰۰،۲۰۰،۵۰۰ و ۵۰ تایی به قیمت پایه قیمت گذاری شده بودند و به بالاترین قیمت پیشنهادی فروخته می‌شدند و خریدار پس از واریز اصل مبلغ و ۹ درصد مالیات ارزش افزوده، برای دریافت سکه اقدام می‌کرد.

پس از تأسیس بورس کالا در سال ۱۳۸۷ بورس به چهار شیوه آتی، اختیار معامله، صندوق کالایی و گواهی سپرده کالایی به بازار سکه و طلا ورود کرد.

بنا بر اعتقاد برخی فعالان بازار سکه و طلا، بازار آتی سکه در شهریور ۱۳۹۷ به علت هجوم سفته‌بازان و جهت‌دهی بازار فیزیکی متوقف شد؛ اما سه ابزار دیگر همچنان فعال و بعضا سؤال‌برانگیز است. یکی از ابزارها گواهی سپرده کالایی است که به‌تازگی نقدهایی از سوی فعالان بازار طلا متوجه آن شده است. به‌تازگی قیمت گواهی سپرده کالایی سکه ۵۰۰ تا ۷۰۰ هزار تومان بیشتر از سکه فیزیکی و محرک بازار نقدی شده است.